

تطبیقی در جواز دادرسی و نقض مصوبات قوه مجریه بدون حضور نماینده دولت

دکتر سام سوادکوهی فر (دکترای حقوق دعاوی از فرانسه و قاضی دیوان عالی کشور)

چکیده:

اینکه دادرسی اداری غیرترافی است با توجه به صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری امری غیر اصولی بوده و پذیرفتنی نیست. لیکن در اموری که اساساً راجع است به تعدی مصوبه دولت از قوانین عادی و یا اصول مسلم حقوقی یا اصول قانون اساسی، مرجع دادرسی اداری_قضایی مزبور بدون حضور نماینده دولت و یا دریافت پاسخ از آن به شکایت رسیدگی و اصدار رأی نموده است. اتخاذ تصمیم در خصوص وظایف دستگاه‌های اجرایی در قوه مقننه نیز، در شرایطی که قانون مقرر کرده است، بدون حضور نماینده دولت ممکن است انجام پذیرد. آیا رفع سکوت از مقررات دادرسی اداری، از این حیث ضرورت ندارد؟ با بررسی و تطبیق با سیستم‌های دیگر، و مسائلی که در این زمینه مطرح است می‌توان به این مهم پاسخ داد.

کلید واژه‌ها:

قوه قضائیه، قوه مقننه، قوه مجریه، دیوان عدالت اداری، دادرسی اداری، حقوق اداری، نقض مصوبات دولت، اصول دادرسی، دادرسی غیابی، دادرسی حضوری، دادرسی اداری فرانسه، نظام دادرسی کامن‌لو.

مقدمه:

بدون تردید نظام حقوقی ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، مستقل از سیستم‌های بزرگ حقوقی زمانه خود نظام‌مند شده و تشکیلات یافته است. بحث از اینکه چه اصولی نظام حقوقی کشور ایران را از سایر سیستم‌ها متمایز می‌نماید و حقوق عمومی به‌طور خاص چه تغییرات بنیادینی در پی داشته است، تحقیقی ویژه نیاز دارد. آنچه مسلم است اینکه مدیریت نظام اداری و قواعد حقوق عمومی در تبعیت از اصل چهارم قانون اساسی^(۱)، نظام پذیرفته‌اند. با وجود حکومت اصل مذکور بر حقوق عمومی و حقوق محوری خاص آن در کلان نظام اداری کشور، در تحلیل پاره‌ای از نهادهای سیاسی و حقوقی و همچنین مراجع دادرسی اداری با مسائلی مواجه خواهیم

شد که حل چگونگی آن نیازمند تفسیر و تحلیل مسائل مطرح شده و مقررات موضوعه دارد. با توجه به اینکه سیستم حقوقی ما دوگانگی حاکمیت قواعد حقوقی، یعنی هم حاکمیت حقوق عمومی و هم حاکمیت حقوق خصوصی را بر نظام اداری خود پذیرفته است، از این رو مناسب است ابتدا به مسئله نظام اداری حق محور و شیوه های اعمال آن پرداخته شود تا جایگاه این اصل در حقوق داخلی بهتر شناسایی گردد؛ زیرا آیین دادرسی مدنی، جدای از آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، در دعاوی ادارات دولتی و یا علیه ادارات دولتی متضمن قواعد متعددی است که به وجود آورنده حقوق خاص خود می باشد. برای آشنایی با این مطلب، به اختیار دیوان عدالت اداری ایران در رسیدگی به مصوبات دولت ولو بدون حضور نماینده دولت می پردازیم. اما قوه مقننه در ایران، وفق قانون، در مواردی بدون حضور نماینده دولت، برای دولت وضع قاعده می نماید. با مقایسه نحوه دخالت دو قوه بر اعمال قوه مجریه در نتیجه گیری می توان راه حلی را پیشنهاد نمود.

الف - نظام اداری حقوق محور در سیستم های خارجی

بر مبنای یک تقسیم بندی، اداره امور دولت ها به دو دسته قابل تقسیم است: دسته اول، دولت خود محور^(۲) و دسته دوم، دولت حقوق محور^(۳) نامیده می شوند. در دولت خود محور، با وجود اینکه سازمان اداری کشور متکی به مقررات موضوعه می باشد، لیکن ارزش حقوقی تهی می باشد. به این معنا که جریان امور به نحوی است که اعمال اداری یا تصمیمات مقامات دولتی مصون از تعرض بوده و اعمال آنان در آزادی کامل و بدون نظارت حقوقی جریان می یابد. بر خلاف دولت خود محور، در دولت حقوق محور، جریان اداری امور بر محور قواعد حقوقی انجام می پذیرد. این اصل، یا اصل آزادی محوری^(۴) از دیدگاه سیاسی، با تفاوت در شیوه های اجرایی آن، مبنای حکومت های مدرن شناخته می شود. نمونه دو شیوه متفاوت از یکدیگر، از فرانسه (دوگانگی حقوق قابل اعمال) و نظام کامن لو (اطاعت همه از حقوق مشترک) را می توان یاد نمود^(۵).

۱_ نظام دوگانه حقوقی فرانسه

در سیستم فرانسه، حقوق قابل اجرا در خصوص اعمال ادارات دو گانه^(۶) است. حقوق دوگانه مذکور، یکی حقوق خاص است که آن را حقوق اداری^(۷) نامیده اند و دیگری حقوق خصوصی^(۸) است. تا سال ۱۹۲۰ م، به کارگیری حقوق خصوصی در امور اداری استثنا بوده است، لیکن از این زمان به بعد استعمال حقوق خصوصی در امور اداری رو به

افزایش نهاد. مانند شکل گیری ادارات یا سازمانهای با مأمورین اداری تابع حقوق خصوصی در کنار مأمورین اداری تابع حقوق عمومی و همچنین فعالیت ادارات^(۹) که دسته ای از این فعالیتها تابع قواعد حقوق عمومی است (از قبیل تصمیمات حکومتی یک سویه و قراردادهای اداری مثل فروش اموال غیر منقول دولتی) و دسته‌ای تابع حقوق خصوصی می‌باشد (از قبیل قراردادهای خصوصی ادارات). بدیهی است که امور عمومی که جنبه اداری آن ملحق به حقوق عمومی می‌شود تابع حقوق عمومی بوده و اموری که انجام آن از حقوق خصوصی تبعیت می‌کند تابع حقوق خصوصی و قواعد مسئولیت مدنی می‌شود. این امر موجب اعمال دو حقوق: یکی حقوق عمومی و دیگری حقوق خصوصی حسب مورد بر فعالیت ادارات و بر زمینه‌ای که امر خصوصی یا عمومی مبنای عمل واقع می‌شود، گردیده است.

۲_ نظام حقوق مشترک در سیستم کامن لو

در سیستم "انگلو ساکسون" (anglo-saxon) یا "کامن لو" (common law) مانند انگلیس و آمریکا، ادارات تابع همان حقوقی هستند که آحاد مردم از آن تبعیت می‌کنند. بنابراین، قانون برای همه مشترک است و حقوق اداری مانند سیستم فرانسه و گستردگی در مفهومی که آنجا یافته، شکل پذیرفته است. دادرسی در چنین سیستمی نیز دو گانه نیست و دعاوی دولتی در دادگاه‌های عادی رسیدگی می‌شوند. حقوق عمومی انگلیس از این حیث، تنها ناظر بر حقوق قابل اعمال بر ادارات این کشور است و حقوق اداری این کشور اصولاً با وصف وحدت حقوق و وحدت دادرسی قضایی شناخته می‌شود^(۱۰).

ب - نظام دادرسی اداری در ایران

امر دادرسی در ایران پیچیده است و این امر باعث شده در برخی امور حقوق اداری واحدی شکل نپذیرد. صلاحیت رسیدگی مرجع قضایی (دیوان عدالت اداری و یا دادگاه‌های عمومی) به تبع خواهان، یکی از عوامل مهم تشتت دادرسی‌ها بوده و می‌باشد؛ زیرا رأی وحدت رویه شماره ۶۳۰-۷۴/۱/۲۶-هیأت عمومی دیوان عالی کشور و رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۴۴/۶۳/۵-۱۳۶۸/۷/۱۰ خواهان دولتی را از شمول عبارت مردم، مذکور در اصل یک‌صد و هفتاد و سوم قانون اساسی خارج دانسته و تنها اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی را مجاز به طرح شکایت و اعتراض از آرای مراجع اداری یا واحدهای دولتی دانسته‌اند^(۱۱). بنا براین، هم آیین

دادرسی مدنی و هم آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، در شکل گیری قواعدی از حقوق اداری مؤثر هستند.

۱_ دادرسی قضایی-مدنی امور اداری

ماده (۱) آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱، رسیدگی به کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی را مشمول مقررات این قانون دانسته است^(۱۲). از اطلاق این ماده استفاده می‌شود که اقدامات و اعمال واجد جنبه خصوصی (مدنی و بازرگانی) ادارات تابع مقررات عامی است که آحاد مردم ملزم به تبعیت از آن می‌باشند. علاوه بر ماده یاد شده، ماده (۳۲) قانون مزبور که راجع به وکالت در دعاوی در مورد ادارات است نیز ضمناً به آنچه محل بحث است (طرح دعوا، دفاع و تعقیب دعاوی مربوط به ادارات) اشاره داشته و می‌گوید: «وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکتهای دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیر دولتی، شهرداریها و بانکها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند...».

این امر، در نظام حقوقی ایران، با توجه به اینکه موافق اصل چهل و چهارم قانون اساسی^(۱۳)، دولت عهده‌دار بخش مهمی از فعالیتهای اقتصادی است (کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه...) اهمیت بسزایی می‌یابد و حقوق خصوصی حاکم بر اعمال اداری برای تحقیقی مستقل، موضوعیت بحث پیدا می‌کند. تحقیقی که بتواند نواقص و مزایای چنین امری را در دادرسی و حقوق داخلی و همین‌طور در مقایسه با سایر سیستم‌ها نمایان سازد.

۲_ دادرسی اداری امور اداری

تشکیلات و ترتیب رسیدگی دیوان عدالت اداری در قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ آمده است. آیین دادرسی اصلاحی این دیوان نیز ۱۳۷۹/۲/۱۹ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است. صلاحیت و حدود اختیارات دیوان در ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری تصریح شده که به‌نحوی از اصل یک‌صد و هفتاد و سوم قانون اساسی اقتباس شده است. دادرسی دیوان به‌صورت ترافعی است و حق دفاع در آن لحاظ می‌گردد. ماده (۱) قانون دیوان، رسیدگی در دیوان را محتاج به تقدیم دادخواست به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه نموده است. ماده (۱۴) قانون دیوان نیز این‌گونه تقریر یافته است: «دادخواست‌هایی که به دیوان داده می‌شود از

طرف رئیس دیوان به یکی از شعب ارجاع می‌گردد. دفتر شعبه مربوطه یک نسخه از دادخواست و ضمائم آن را به طرف دعوی ابلاغ می‌نماید که با رعایت مسافت بر طبق آیین دادرسی مدنی هر گونه جوابی داشته باشد ظرف ده روز کتباً اعلام نماید و با انقضای مدت مزبور شعبه مربوط شروع به رسیدگی نموده پس از انجام تحقیقات لازمه رأی صادر می‌نماید.»

ج- دادرسی اداری بدون حضور نماینده دولت

همان‌گونه که ذکر نمودیم، دادرسی مدنی و دادرسی اداری در خصوص رسیدگی به دعاوی علیه اعمال یا تصمیمات دولتی هر یک حسب مورد تحت قواعد مربوط به خود انجام می‌پذیرد. بر خلاف اصل سابق در سیستم‌های خارجی که مطابق آن اعمال دولتی مصون از تعرض قضایی بوده و نه دعوی ابطال و نه دعوی غرامت مسموع نمی‌بود^(۱۴) امروزه دعاوی علیه دولت مورد پذیرش واقع می‌شود. در خصوص اصل رسیدگی و نحوه دادرسی شیوه‌های مختلفی وجود دارد که قطع نظر از این امر، توضیحی راجع به دادرسی در غیاب نماینده دولت ارائه خواهیم داد.

۱_ دادرسی قضایی-مدنی بدون حضور نماینده دولت

ماده (۳۰۳) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، حضوری بودن و غیابی شدن حکم دادگاه را چنین بیان می‌دارد: «حکم دادگاه حضوری است مگر اینکه خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به‌طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد.» از این ماده و ماده (۹۵) از همین قانون^(۱۵) استفاده می‌شود در دعاوی علیه دولت هم مانند آحاد مردم ممکن است بدون حضور نماینده دولت رسیدگی و عنداللزوم حکم غیابی^(۱۶) صادر شود. لازم به ذکر است که اگر به‌عنوان مثال، اخطاریه وفق ماده (۷۵) قانون یاد شده ابلاغ واقعی^(۱۷) شود، به‌رغم عدم حضور نماینده دولت، حکم غیابی نخواهد بود. نکته دیگر در دادرسی علیه دولت، موارد رسیدگی فوری است که در این صورت نیز قواعد موضوع مواد (۳۱۰) الی (۳۲۵) قانون یاد شده حاکم خواهد بود که وفق ماده (۳۱۴) آن: «برای رسیدگی به امور فوری، دادگاه روز و ساعت مناسبی را تعیین و طرفین را به دادگاه دعوت می‌نماید. در مواردی که فوریت کار اقتضا کند می‌توان بدون تعیین وقت و دعوت از طرفین و حتی در اوقات تعطیل و یا در غیر محل دادگاه به امور یاد شده رسیدگی نمود.»

۲_ دادرسی اداری بدون حضور نماینده دولت

ماده (۱۴) قانون دیوان عدالت اداری، ابلاغ دادخواست^(۱۸) و انقضای مهلت ده روزه را شرط شروع به رسیدگی و صدور رأی توسط شعبه دیوان نموده است. به عبارت دیگر پذیرفته شده است که در صورت عدم حضور نماینده، رسیدگی آغاز و اتخاذ تصمیم شود. اما دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت راجع به اصلاحات به عمل آمده توسط هیأت وزیران در مورد آیین نامه اجرایی قانون انتخابات که طی نامه شماره ۵۱۷۵/ت/۲۸۹۸۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۳ ابلاغ گردیده بود، با تشکیل جلسه به تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱ شیوه‌ای دیگر در رسیدگی اعمال نموده است. به این معنا که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ مزبور، که در واقع کمتر از ده روز و حدود هشت روز پس از ابلاغ آیین نامه اصلاحی می‌باشد، تشکیل جلسه داده و پس از انتظار کافی جهت حضور نماینده معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری و عدم حضور ایشان و با استماع توضیحات نمایندگان طرف شاکی مبادرت به صدور رأی می‌نماید^(۱۹).

د- رسیدگی طرح یا لایحه در مجلس بدون حضور نماینده دولت

در امور غیر قضایی و واجد جنبه سیاسی نیز مسئله اقدام قوه مقننه در امور قوه مجریه و اتخاذ تصمیم در غیاب نماینده دولت مورد توجه بوده است. مطابق ماده (۱۷۸) قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مورخ ۷۸/۷/۱۸ و مصوب ۷۹/۱/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «در مواردی که طرح یا لایحه قانونی مربوط به امور داخلی مجلس نباشد از طریق هیأت رئیسه به وزیر یا مسئول اجرایی مربوطه رسماً اطلاع داده می‌شود تا خود یا معاون او رسماً به مجلس معرفی شده در جلسه علنی حاضر شود و در مذاکرات شرکت نماید. در صورت اطلاع و عدم حضور وزیر یا معاون بدون عذر موجه از طرف رئیس مجلس مواخذه خواهد شد. به هر صورت در همان جلسه حتی با عدم حضور وزیر یا مسئول اجرایی مربوطه طرح یا لایحه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و اتخاذ تصمیم خواهد شد.»

ه- نتیجه

نظام حقوقی و خصوصاً نظام حقوق اداری ایران قطعاً حقوق مدار بوده و کنترل قضایی قدرتمندی، با وجود اختیار و صلاحیت ناشی از اصل هشتادوپنجم قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی در نقض مصوبات دولت^(۲۰)، بر اعمال اداری معمول می‌گردد. لیکن اجرای دقیق قانون و اصول مسلم حقوقی بر اعمال اداری مستلزم صراحت و شفافیت اصول دادرسی است. اولاً؛ با وجود دوگانگی حقوق حاکم بر اعمال اداری (حقوق اداری و حقوق خصوصی) لازم است به این مهم به جدیت پرداخته شود و قواعد

هر یک در محل خود تنظیم گردد. خاصه اینکه در حرکت خصوصی سازی اعمال دولتی این امر نمود بیشتری می یابد و قواعد دادرسی می بایست همراه حقوق اداری در حال تحول تغییر بپذیرند. ثانیاً: نظر به اینکه قانون دیوان عدالت اداری در شرف تغییر می باشد فرصت مناسبی است که حدود اختیارات و چگونگی دادرسی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز، که ظاهراً تا کنون تغییری در نحوه رسیدگی آن پیش بینی نشده^(۲۱)، با توجه به نیازها و ضرورت های دادرسی تبیین گردیده و تحول بپذیرد. ماده (۱۷۸) آیین نامه مجلس می تواند در این خصوص الگوی مناسبی تلقی گردد.

پی نوشت ها:

۱_ مطابق اصل چهارم قانون اساسی: " کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم بر همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است "

۲_ Etat de police.

۳_ Etat de droit.

۴_ Liberalisme politique.

۵_ Gustave Peiser, Droit administrative. Memontos Dalloz, ۱۷ eme edition, ۱۹۹۴, Pp ۵ et ۶.

۶_ La dualite de droit applicable.

۷_ Droit administrative.

۸_ Droit prive.

۹_ Activite de l'administration.

۱۰_ Michel Fromont, Grands systemes de droit etrangers, Memontos Dalloz, ۳ eme edition, ۱۹۹۸, p ۸۴.

۱۱_ برای توضیح بیشتر ر. ک. : مقاله نگارنده، صلاحیت رسیدگی مرجع قضایی به تبع خواهان-دیوان عدالت اداری یا دادگاه عمومی؟، نشریه دادرسی، شماره ۲۴، بهمن و اسفند ۱۳۷۹، صص ۱۰ الی ۱۵. همچنین به خلاصه مقالات نگارنده در: نشریه پیام آموزش، سال اول، خرداد و تیر ۱۳۸۲، شماره ۲، ص ۱۷۳.

۱۲_ طبق ماده (۱) آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی: "آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب تجدید نظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می باشند بکار می رود."

۱۳_ طبق اصل چهارم قانون اساسی: " نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، ... "

۱۴_ L'acte de gouvernement beneficie en principe d'une immunité juridictionnelle: ni action en annulation, ni action en indemnité. (Gustave Peiser, précité, p ۱۷۸).

۱۵_ مطابق ماده (۹۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی: " عدم حضور هر یک از اصحاب دعوا و یا وکیل آنان در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست... "

۱۶_ اداره حقوقی قوه قضائیه به شرح نظریه شماره ۷/۱۳۳۹-۳۰/۴/۱۳۸۱ راجع به اجرای احکام غیابی اعلام نموده: "تبصره ۲ ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ در مورد اجرای احکام غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تامین متناسب از محکوم له خواهد بود مگر اینکه دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه غیابی ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه و خواهی نکرده باشد."

۱۷_ طبق ماده (۷۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی: "در دعاوی راجع به ادارات دولتی و سازمانهای وابسته به دولت و موسسات مأمور خدمات عمومی و شهرداریها و نیز موسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت است اوراق اخطاریه و ضمائهم به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ و در نسخه اول رسید اخذ می شود. در صورت امتناع رئیس یا قائم مقام او از اخذ اوراق، مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق اعاده می شود. در این مورد استنکاف از گرفتن اوراق اخطاریه و ضمائهم و ندادن رسید تخلف از انجام وظیفه خواهد بود و به وسیله مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالحه اعلام و به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد. تبصره: در دعاوی مربوط به شعب مراجع بالا یا وابسته به دولت به مسوول دفتر شعبه مربوط یا قائم مقام او ابلاغ خواهد شد."

۱۸_ طبق ماده (۱۷) قانون دیوان عدالت اداری: "ابلاغ اوراق و احکام و تصمیمات دیوان به وسیله مامورین ابلاغ و اجرای دادگستری و با ضوابط آیین دادرسی مدنی می باشد."

۱۹_ دادنامه شماره ۳۸۹ از پرونده کلاسه ۷۶۱/۸۲، شماره ۷۶۱/۸۲/۵-۷۶۱-۸۲/۱۰/۳-۸۲/۱۰/۳- روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۴۱-۱۰/۱۰/۸۲ صفحه ۴.

۲۰_ ر.ک: مقاله نگارنده، بررسی تطبیقی دو مرجع قانونی صالح برای نقض مصوبات دولت (قوه مقننه مرجع رسیدگی سیاسی و قوه قضائیه مرجع رسیدگی قضایی)، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۶، سال پنجم، خرداد و تیر ۱۳۸۰، صص ۶ الی ۱۲. همچنین خلاصه مقاله مزبور در: نشریه پیام آموزش، سال اول، خرداد و تیر ۱۳۸۲، شماره ۲، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲۱_ ر.ک: رئیس دیوان عدالت اداری در خصوص تغییر در نحوه رسیدگی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طبق قانون جدید دیوان اظهار داشت: "در این قانون تغییر در هیات عمومی دیوان عدالت اداری ایجاد نخواهد شد. هرچند همکاران قضایی پیشنهاداتی در این مورد دارند که باید در مجلس مطرح شود" (گفتگوی اختصاصی ماوی با رئیس دیوان عدالت اداری حجت الاسلام و المسلمین علی رازینی، شماره ۳۵۸، ۱۳۸۳/۶/۲۸).